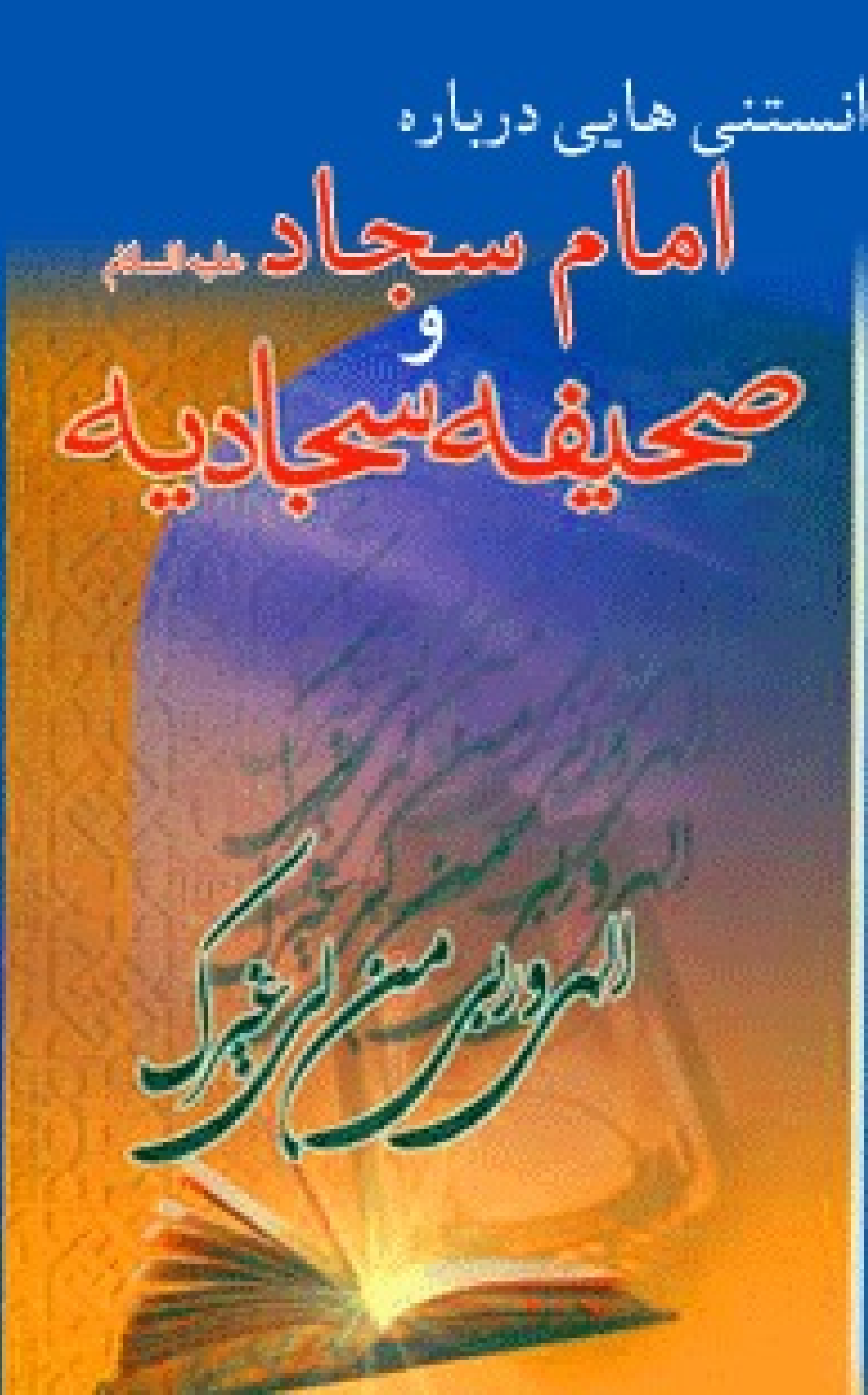
دانستنی هایی درباره

امام سجاد علیه السلام

و

صحیفه سجادیه





www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

دانستنی هایی درباره امام سجاد علیه السلام و صحیفه‌ی سجادیه

مشخصات مقاله

دانستنی هایی درباره امام سجاد و صحیفه‌ی سجادیه
مؤلف: سید امیرحسین کامرانی راد
برگرفته از: ماهنامه گلبرگ، ش14، 60، 95، 105

اشاره

گفتار زیر درباره‌ی یکی از چکاد های سر به فلک کشیده‌ی جهان هستی، امام سجاد علیه‌السلام است. ایشان در برابر شدیدترین تندباد حادثه‌ها، استوار بر جای ایستادند و تازیانه‌ی خون‌بار ترین پیشامدها، چون عاشورا و گردباد تلخ‌ترین روزگاران، مانند دوران اسارت، آسیبی به شکوه شان نرساند. قرن‌هاست که چشم‌انداز زیبای بلندای ایشان، همچنان، چشم‌ها را می نوازد و به قلب‌ها استواری و به دل‌ها جرئت می بخشد.
زین‌العابدین علیه‌السلام، قهرمان معنویت است، به گونه‌ای که وقتی انسان به او می نگرد، به حقیقت اسلام، نگاه می کند. نمازهایش، پرواز روح به سوی خدا بود و با همه‌ی وجود در پیشگاه پروردگارش آماده می شد. آن حضرت، پیک محبت بود؛ هر جا غریب و تهی‌دست و بینوایی را می دید که دیگران به او توجه ندارد، به او محبت می کرد و به خانه‌ی خودش می آورد.
روزی گروهی از جُذامی‌ها را دید که همه آنها را از خود می راندند. آن حضرت آنها را به خانه فرا خواند و از ایشان پرستاری کرد. خانه‌ی امام زین‌العابدین علیه‌السلام، پناه‌گاه مسکینان، یتیمان و بیچارگان بود. «وقتی شورشیان، بنی‌امیه را از مدینه بیرون کردند، مروان که خود از دشمنان امام بود، از امام خواهش کرد که همسر و خانواده او در خانه و پناه آن حضرت باشند و امام نیز با بزرگواری پذیرفت. بدین گونه، در روزهایی که مدینه دست‌خوش قتل و غارت بود، خانه‌ی امام، پناه‌گاه پناهندگان بود و خانواده‌های فراوانی به آستان آن حضرت پناه آوردند و امام نیز تا پایان درگیری‌های خونین از آنان پذیرایی کرد» .

ز رنج آرد به راحت، مردمان را
نشاند فتنه دور زمان را
همه راحت بُوَد بر خلق، بی رنج
وجودش خلق را شادی است چون گنج

لقب‌های برازنده امام سجاد علیه السلام

سید العابدین، زین‌العابدین، سید المتقین، امام المؤمنین، سجاد و زین الصالحین، از لقب‌های امام چهارم شیعیان است که در این میان، دو لقب سجاد و زین العابدین، شهرت بیشتری دارد. این لقب‌ها مانند لقب‌هایی نیست که عرب هنگام زادن کودک یا در کودکی به او می دهد. این لقب‌ها را صرّافان گوهرشناس و انسان‌جو به آن حضرت داده‌اند. آنان در آن دوران تاریک، از دیو و دد آزرده شده بودند و با دیدن آن امام، کسی را می دیدند که آن دانشمند در روز روشن با چراغ در پی او می گردید و نمی یافت.
بیشتر کسانی که این لقب‌ها را بدو داده‌اند، نه شیعه بودند و نه او را امام و برگزیده از سوی خدا می دانستند. با این حال، نمی توانستند آنچه را در او می بینند، نادیده بگیرند. هر یک از این لقب‌ها، نشان‌دهنده‌ی درجه‌ای از کمال، پایه‌ای از ایمان، مرتبه‌ای از تقوا و اخلاص و میزان اعتماد و اعتقاد مردم به دارنده‌ی این لقب‌هاست. او به حقیقت جلوه‌گاه آشکار این ویژگی‌ها بود و این سخنی است که همگی برآنند.

نگاهی به دوران زندگی امام سجاد علیه السلام

اشاره

سال تولد امام سجاد علیه‌السلام را سال 38 هجری قمری نوشته‌اند. ایشان دوران کودکی خود را در شهر مدینه گذراند. حدود دو سال از خلافت جدّش امیرالمؤمنین علیه‌السلام را درک نمود و پس از آن، مدت ده سال شاهد حوادث دوران امامت عموی خویش امام مجتبی علیه‌السلام بود. پس از شهادت امام مجتبی علیه‌السلام در سال 50 هجری، به مدت ده سال در خدمت پدر بزرگوار خویش امام حسین علیه‌السلام قرار داشت و پس از شهادت آن بزرگوار، عهده دار مقام رفیع امامت شد.

بیمار مصلحتی کربلا

بیماری موقت حضرت سجاد علیه‌السلام در کربلا، عنایت خداوندی بوده است تا بدین وسیله از وظیفه‌ی جهاد معذور گردد و وجود مقدسش از خطر کشتار مزدوران یزید محفوظ بماند و از این رهگذر، رشته‌ی امامت تداوم یابد. اگر حضرت بیمار نبود، می بایست در جهاد با یزیدیان شرکت می کرد و در این صورت، همچون دیگر فرزندان و یاران پدرش به شهادت می رسید و نور هدایت خاموش می شد. ابن سعد گزارش می دهد که پس از کشته شدن حسین علیه‌السلام شمر به سوی علی بن الحسین علیه‌السلام آمد و او بیمار و در بستر خوابیده بود. شمر گفت: این را بکشید. یکی از همراهان وی گفت: سبحان اللّه! آیا جوانی را که بیمار است و در جنگ هم شرکت نداشته، بکشیم؟ در این هنگام، عمربن سعد رسید و گفت: با این زنان و این بیمار کاری نداشته باشید. بنابراین، بیماری آن حضرت، مصلحتی الهی بود که موجب حفظ حیات ایشان گردید و هرگز به معنای ضعف روحی و ناتوانی در برابر دشمن نیست.

امام در دوران اسارت

دوران اسارت امام سجاد علیه‌السلام را می توان از عصر عاشورا تا بازگشت به مدینه به شمار آورد. در این زمان، امام با وجود اسارت در دست حاکمان ستمگری چون ابن زیاد و یزید، برخوردی صریح و افشاگرانه داشت. به طور کلی، موضع‌گیری این دوره امام، با موضع‌گیری‌های آن بزرگوار در بقیه‌ی عمر شریفش تفاوت اساسی دارد. در این دوره کوتاه، روش حضرت افشاگرانه و هشداردهنده است؛ زیرا ایشان، افزون بر آن که مسئولیت الهی امامت را بر دوش می کشید و باید زمینه‌ی کار آینده را برای حکومت الهی و اسلامی فراهم می کرد، زبان گویایی برای خون‌های ریخته شده در عاشورا داشت. از این رو، مسائل را با صراحت بیان می کرد؛ چرا که زمینه کار آینده‌ی او، خون جوشان حسین علیه‌السلام بود.

امام در دوران قیام و سازندگی

هر قیامی که برای خونخواهی شهدای کربلا بود، امام سجاد علیه‌السلام آن را تأئید و مردم را به پیوستن به آن تشویق می کرد. در مواردی موضع‌گیری‌های مثبت امام، پنهانی بود و در ظاهر، آن‌ها را تأئید نمی کرد و حتی گاهی مخالفت می نمود. علت این امر این بودند که مردان خاندان رسالت در کربلا کشته شده بود و جز امام و چند تن دیگر که انگشت شمار بودند، کسی باقی نمانده بود و حفظ این طرفداران اندک، برای آینده لازم و ضروری می نمود.
مهم‌ترین برنامه‌های امام در دوران سازندگی هم، بر چند محور استوار است: زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و رساندن پیام آن، نشر مبانی اعتقادی و فرهنگی شیعه، مراقبت از جریان‌ها و امور داخلی جامعه اسلامی و نیز نیرو سازی.

زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

از آنجا که شهادت امام حسین علیه‌السلام و یاران آن حضرت، در افکار عمومی و برای حکومت اموی بسیار گران تمام شده و مشروعیت آن را زیر سؤال برده بود، برای آنکه این فاجعه فراموش نشود، امام سجاد علیه‌السلام مبارزه منفی را با گریه و عزاداری ادامه می داد. یادآوری مکرر فاجعه کربلا و گریه بر آن، علاوه بر ریشه‌های عاطفی‌اش، بار سیاسی داشت و نمی گذاشت ظلم و جنایت حکومت اموی از خاطره‌ها فراموش شود.
امام علیه‌السلام در پاسخ سهل بن شعیب (یکی از بزرگان مصر) که از حالت حضرت پرسیده بود، فرمودند: «اینک اگر وضع ما را نمی دانی، برایت توضیح می دهم، وضع ما در میان قوم خود، مثل وضع بنی اسرائیل در میان فرعونیان است که پسرانشان را می کشتند و دخترانشان را زنده نگه می داشتند. امروز وضع بر ما به قدری تنگ و دشوار است که مردم، با سَبّ و ناسزاگویی به بزرگ و سالار ما بر فراز منبرها، به دشمنان ما تقرّب می جویند» .

چون امام چهارم علیه‌السلام در عصر اختناق زندگی می کرد، نمی توانست مفاهیم مورد نظر خود را به صورت آشکار و صریح بیان کند. از این رو، از شیوه‌ی موعظه استفاده و مردم را از راه موعظه با اندیشه‌ی درست اسلامی آشنا می کرد. بررسی این موعظه‌ها نشان می دهد که امام با روشی حکیمانه و بسیار زیرکانه، ضمن اینکه مردم را نصیحت و موعظه می کرد، آنچه را می خواست در ذهن مردم جا بگیرد، به آنان القا می نمود و این بهترین شکل انتقال افکار و اندیشه درست اسلامی در آن شرایط بود؛ زیرا این مباحث، در عین حال که اثر سیاسی داشت و بر ضد دستگاه حاکم بود، حساسیت حکومت را بر نمی انگیخت.

نشر احکام و آثار تربیتی و اخلاقی

یکی از ابعاد مبارزه پیشوای چهارم با مظالم و مفاسد عصر خویش، نشر احکام اسلام و تبیین مباحث تربیتی و اخلاقی بود. امام در این زمینه گام‌های بلند و بزرگی برداشت، به طوری که دانشمندان را به تحسین و اعجاب واداشته است. شیخ مفید در این زمینه می نویسد: «فقهای اهل تسنن به قدری علوم از او نقل کرده‌اند که به شمارش نمی گنجد و مواعظ و دعاها و فضایل قرآن و حلال و حرام، به حدی از آن حضرت نقل شده که در میان دانشمندان مشهور است و اگر بخواهیم آن‌ها را شرح دهیم، سخن به درازا می کشد» . نمونه‌ای از تعالیم تربیتی و اخلاقی که از امام چهارم به یادگار مانده، مجموعه‌ای به نام رسالة الحقوق است که امام طی آن، وظایف گوناگون انسان را چه در پیشگاه خدا، و چه نسبت به خویشتن و دیگران بیان نموده است. برخی از حقوقی که امام بیان نموده عبارت است از: حق خدا، حق زبان، حق گوش، حق چشم و ...

هنگام ظهور اسلام، بردگی در سراسر جهان آن روز رواج داشت و چون لغو چنین پدیده گسترده‌ای به یک باره مقدور نبود، اسلام از راه‌های گوناگون زمینه‌ی لغو تدریجی آن را فراهم ساخت. در زندگانی امام چهارم نیز موضوع آزادسازی بردگان به چشم می خورد، اما دامنه و سطح این عمل به حدی وسیع است که تنها با محاسبات بالا قابل توجیه نیست و به نظر می رسد امام چهارم در این کار انگیزه‌های والاتری داشته است. دقت در این زمینه نشان می دهد که امام از این اقدام، نظر تربیتی و انسانی داشته است؛ بدین معنا که بردگان را خریداری کرده، مدتی تحت آموزش و تربیت قرار می داد و سپس آزادشان می کرد و آنان به صورت انسان‌های نمونه، به فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی می پرداختند و پس از آزادی نیز ارتباطشان با امام قطع نمی شد.

حکومت سیاه عبدالملک

اشاره

دوران امامت امام سجاد علیه‌السلام با یکی از سیاه‌ترین دوره‌های حکومت در تاریخ اسلام هم‌زمان بود. سردمداران حکومت در این زمان، به صورت آشکار و بدون هیچ گونه پرده پوشی، به مقدسات اسلامی توهین می کردند. بیشترین دوران امامت امام چهارم، با خلافت عبدالملک بن مروان مصادف بود که مدت 21 سال طول کشید. تاریخ نگاران از عبدالملک، به عنوان فردی زیرک، با احتیاط و دور اندیش، ادیب، باهوش و دانشمند، یاد کرده‌اند. عبدالملک در مدت حکومت خود، آن چنان با ظلم و ستم خو گرفت که نور ایمان در دل او به کلی خاموش گشت. وی روزی به این امر اعتراف کرد و به سعید بن مسیب چنین گفت: چنان شده‌ام که اگر کار نیکی انجام دهم، خوشحال نمی شوم و اگر کار بدی از من سرزند، ناراحت نمی گردم. سعید بن مسیب گفت: مرگِ دل، در تو کامل شده است.

کارنامه ولید بن عبدالملک

پس از مرگ عبدالملک، پسرش ولید به خلافت رسید. او در دوران زمامداری خود، در تأسیس و توسعه و تعمیر مساجد و اماکن مقدس کوشش می کرد و استانداران و فرمانداران را به این کارها تشویق می نمود؛ ولی دارای نقاط ضعف بسیار و انحراف‌های آشکاری بود. بر اساس گفته‌ی تاریخ نگاران، ولید مردی ستمگر و جبار بود. پدر و مادرش او را در کودکی با هوسرانی و بی‌قیدی پرورش دادند. از این رو، وی فاقد ادب و شایستگی انسانی بود. ولید عناصر فاسد و جنایتکار را به عنوان امیر بر سرنوشت مسلمانان حاکم کرده بود و این افراد، عرصه را بر مردم تنگ کرده بودند. گویا با توجه به این بیدادگری های سردمداران و مظلومیت و بی‌پناهی مسلمانان بود که امام سجاد علیه‌السلام طی بیانی، مردم آن زمان را به شش دسته تقسیم کرده، زمامداران را به شیر و مسلمانان را به گوسفندانی تشبیه می نماید که در بین شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک گیر کرده، گوشت و پوست و استخوانشان توسط شیر دریده می شود.

اشعار فرزدق

امام زین العابدین علیه‌السلام در سالی به حج رفته بودند که در آن سال، هشام، خلیفه وقت نیز به حج آمده بود. به هنگام طواف، مردم کنار می رفتند و برای امام راه را باز می کردند و او را با دیده‌ی اکرام می نگریستند. از هشام پرسیدند: این شخص کیست؟ هشام در حالی که امام را می شناخت، گفت: نمی دانم.
در این هنگام فَرَزْدَق شاعر که در آن‌جا حاضر بود، گفت ولی من او را می شناسم؛ سپس اشعاری بسیار زیبا در وصف حضرت سرود. هشام به خاطر این اشعار، فرزدق را دستگیر نموده و زندانی کرد و دستور داد نامش را از حقوق بگیران بیت‌المال حذف کنند. حضرت سجاد علیه‌السلام برای او هدیه‌ای فرستاد، ولی فرزدق برگرداند و گفت: من از روی وظیفه‌ی دینی این اشعار را سرودم، نه برای پول. امام دوباره هدیه را فرستاد و فرمودند: این کار تو مورد قبول خداوند قرار گرفت. امام همچنین به درخواست خود او دعا کرد تا از زندان نجات یابد و او آزاد شد و خدمت امام رسید و گفت: اسم مرا از دفتر بیت‌المال خارج کرده‌اند. امام نیز آن مقداری را که از بیت المال می گرفت، به مدت چهل سال به او بخشید و فرمودند: اگر می دانستم بیشتر از این نیاز داری، بیشتر از این می دادم.
فرزدق بعد از گذشت چهل سال، از دنیا رفت.

شرایط و رسالت‌ها در عصر امام زین العابدین

امام سجاد علیه‌السلام در دشوارترین شرایط به سر می برد تا آنجا که خود آن حضرت می فرماید: «اگر کسی متهم به کفر می شد، بهتر از آن بود که به شیعه‌گری متهم شود.» همچنین فرمودند: «در مکه و مدینه، بیست نفر نیستند که ما را دوست بدارند» .
در زمان آن حضرت، بنی‌امیه چنان بر مردم چیره بود که افزون بر روا داشتن ستم‌های فراوان در حق مردم، به تحریف دین مردمان نیز دست می یازید. در همین زمینه، انس بن مالک، صحابی رسول خدا صلی‌الله علیه و آله با گریه می گفت: چیزی از آنچه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود داشت، پیدا نمی شود. از همه آنچه از پیامبر خدا فرا گرفتیم، تنها نماز مانده است که در آن نیز بدعت‌هایی پدید آمده است. مسعودی، تاریخ نگار نامدار گفته است: «علی بن الحسین علیه‌السلام امامت را به شکل پنهانی و با تقیّه بسیار و در زمانی دشوار عهده‌دار گردید.» در چنین زمان دشواری، امام سجاد علیه‌السلام با دوراندیشی و تدبیری شایسته، شیوه‌ای در پیش گرفت که توانست از خاموش شدن فروغ وحی جلوگیری کند و دین ناب و آسمانی اسلام را از لابه‌لای آن همه حادثه‌ها به سلامت به دست آیندگان بسپارد و نام اهل بیت علیهم‌السلام را زنده نگه دارد. پرهیز از قیام به دلیل آماده نبودن شرایط آن، رو آوردن به کار بزرگ فرهنگی در قالب دعا، روشن‌گری در هر فرصت مناسب و گریه‌های فراوان در عزای پدر بزرگوارش، امام حسین علیه‌السلام، بخشی از رسالت‌های پیروزی آفرین آن حضرت در راه رسیدن به هدف‌هایش بود.

امام سجاد، قهرمان مبارزه با تهاجم فرهنگی

آیین اسلام در هیچ دوره‌ای از خطر تهاجم فرهنگی ایمن نبوده و نیست. گاهی نیز اوج این ستیز فرهنگی در زمان برخی از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام رخ می داد تا آنجا که قیام خونینی چون عاشورا، در رویارویی با همین خطرها شکل گرفت. امام سجاد علیه‌السلام نیز در دورانی زندگی می کرد که هنجارهای اخلاقی و فرهنگ ناب اسلامی به دست فراموشی سپرده و ناهنجاری‌ها و تبه‌کاری‌ها فراگیر شده بود. آن حضرت در چنین شرایط ناگواری، هرگز میدان را در برابر دشمن رها نکرد. ایشان با نفی قیام می کوشید ذهن دشمنان را از توجه و سرگرم شدن به خود باز دارد. در مقابل، به صورتی آرام و پنهانی، از راه سازندگی انسان‌های شایسته و آموزش اندیشه‌های راستین به آنان و با روشن گری‌های پیاپی، در برابر تهاجم فرهنگی ایستاد و توانست پیروز میدان مبارزه‌ی فرهنگی باشد. در این باره، تنها به یکی از سندهای پیروزی آن امام در رویارویی با هجوم فرهنگ‌های خداستیز و غیر اسلامی، یعنی صحیفه‌ی سجادیه اشاره می کنیم که قرن‌هاست آبشخوری زلال و آسمانی برای جان‌های تشنه هدایت و تکامل به شمار می آید.

علت قیام نکردن امام سجاد

یکی از رمزهای پیروزی مردان بزرگ، زمان شناسی و شناخت شرایط روزگار است. آنان با شناخت درست از آنچه پیرامونشان می گذرد، چگونگی رفتار خود را برمی‌گزینند. بر این اساس، نه همواره به قیام برمی‌خیزند و نه همیشه در صلح به سر می برند، بلکه این، اقتضای زمان و مصلحت روزگار است که جنگ یا صلح را برایشان تعیین می کند.
امام سجاد علیه‌السلام نیز از این قاعده بیرون نبود. آن حضرت با مصلحت‌اندیشی شایسته و در خور ستایش، پایداری دین و مانایی اسلام را در دگرگونی شکل مبارزه می داند. «در حقیقت، با وحشت و دیکتاتوری سختی که در جامعه حکم‌فرما شده بود و در اثر کنترل و چیرگی شدیدی که حکومت ستم‌گر اموی به وجود آورده بود، هرگونه جنبش و قیام مسلحانه پیشاپیش، محکوم به شکست بود و کوچک‌ترین حرکت از نگاه جاسوسان حکومت پنهان نمی ماند» .
به همین سبب، امام راه درست و عاقلانه را در آن می دید که به گونه‌ای دیگر به مبارزه برخیزد و در ساختار دعا، با ستم‌گران بستیزد و پیام خود را به نسل‌های آینده برساند. گویا امام سجاد علیه‌السلام با اشاره به چنین شرایط دردناکی، در ساختار دعا به خداوند چنین عرض می کند: «پروردگارا! چه بسا دشمنی که شمشیر دشمنی‌اش بر ضد من آخته، دم تیغش را برای ضربه زدن به من تیز کرده و سر نیزه‌اش را به قصد جان من تیز ساخته و مرا آماج تیرهای خویش قرار داده است. زهرهای جان کاهش را برای کام من در جام، فرو ریخته و چشمش برای کنترل من نهفته است و بر آن است که به من گزند برساند» .

سیاست امام سجاد در ترویج اسلام ناب

اشاره

امام سجاد علیه‌السلام به دلیل آماده نبودن شرایط برای قیام، با مبارزه‌ای غیرمستقیم و سیاست‌هایی حکیمانه در ترویج و پایداری اسلام ناب کوشید که برخی از آنها عبارتند از:

زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

شهادت امام حسین علیه‌السلام و یاران آن حضرت، در افکار عمومی برای حکومت اموی، بسیار گران تمام شده و مشروعیت آن را زیر سؤال برده بود. برای آنکه این حادثه دلخراش فراموش نشود و ثمره های بزرگ آن به بار بنشیند، امام با گریه بر شهیدان عاشورا و زنده نگه داشتن یاد آنان، مبارزه منفی و حرکت فرهنگی را به صورت گریه ادامه می داد. گرچه این اشک‌های سوزان ریشه‌ی عاطفی هم داشت، ولی آثار و برکات سیاسی و اجتماعی آن بی‌نظیر بود تا آنجا که یکی از ریشه‌های جاودانگی نام و یاد عاشورا را می توان در همین عزاداری‌ها و گریه‌های امام زین‌العابدین علیه‌السلام دانست.

پند و ارشاد

گرچه امام سجاد علیه‌السلام به سبب وجود تنگناهای باز دارنده‌ی زمان خویش، نتوانست اندیشه‌های خود را آشکارا باز گوید، ولی آنها را در ساختار موعظه و نصیحت بیان می کرد. بررسی این موعظه‌ها نشان می دهد که امام با روش حکیمانه‌ای، در عین حال که مردم را موعظه می کرد، آنچه را می خواست به ایشان می آموخت و این بهترین شکل آموزش اندیشه‌های درست اسلامی در آن شرایط بود.

برخورد و مبارزه با عالمان درباری

علمای درباری کسانی بودند که اندیشه و ذهن مردم را به سود قدرت‌های فاسد جهت می دادند و زمینه‌ی فکری و ذهنی مردم را برای پذیرش حکومت آنان فراهم می کردند. ازاین‌رو، امام سجاد علیه‌السلام با برخورد با ریشه‌های گمراهی و تباهی، به شکلی اساسی به ترویج فرهنگ ناب اسلامی همت می گماشت و مردم را درباره ریشه‌های ستم‌پروری هشدار می داد.

امام سجاد و روشن‌گری در هر فرصت ممکن

گرچه زمینه برای قیام امام سجاد علیه‌السلام آماده نبود، این مسئله آن حضرت را از روشن گری‌های بجا و بازگو کردن حقیقت باز نداشت. برای نمونه، آن امام در دوران اسارت خویش، در مجلس یزید، در فرصت کوتاهی که برایش پیش آمد، برفراز منبر این‌گونه روشن‌گری می کرد: «ای مردم! کسی که مرا نمی شناسد، خود را بدو می شناسانم. من پسر مکه و منایم! من پسر مروه و صفایم! من پسر محمد مصطفایم! آن‌که پایگاه او بر همه آشکار و جولانگه او آسمان است. من پسر علیّ مرتضی و فاطمه‌ی زهرایم ... من پسر آنم که تشنه جان داد و تن او بر خاک کربلا افتاد. مردم! خدای تعالی ما اهل بیت را نیک آزمود، رستگاری، عدالت و پرهیزکاری را در ما نهاد و ما را به شش ویژگی، برتری و بر دیگر مردمان، سروری داد. بردباری و دانش، دلاوری و بخشش را به ما ارزانی فرمود و دل مؤمنان را جایگاه دوستی و شکوه ما ساخت و خانه ما را مکان آمد و شد فرشتگان قرار داد» .

یکی از کارهای فرهنگی امام زین‌العابدین علیه‌السلام، خریدن پیوسته بردگان و خدمت‌کاران و سپس آزاد کردن آنان بود. در حقیقت، انگیزه اصلی امام از این کار، انسان‌سازی بود. به این بیان که آن حضرت بردگان را می خرید و آن‌گاه به آموزش و پرورش آنها می پرداخت و پس از مدتی آزادشان می کرد، به گونه‌ای که هر کدام از آنها به سبب تربیت درستشان از سوی امام، به عنوان سخنگو و مبلّغ وارد جامعه می شدند و به گسترش آیین ناب اسلام می پرداختند. امام، بردگان را با آنکه به آنان نیاز نداشت، می خرید و آنان را در مراسم حج به عرفات می آورد و آن‌گاه به سوی مشعر می برد. سپس آزادشان می کرد و هدیه‌هایی به آنان می داد. بدین‌گونه، آن حضرت، کانون تربیتی متمرکزی به وجود آورده بود. هر کدام از آزاد شده‌ها نیز فرد تربیت شده و الگو برای دیگران بودند. البته آنان پس از آزادی نیز پیوند معنوی خود را با امام نمی بریدند و همچنان از خرمن آن حضرت خوشه چینی می کردند. این روش امام سجاد علیه‌السلام با توجه به تنگناهایی که آن حضرت در ارشاد و هدایت مستقیم جامعه داشت، بسیار درخور ژرف نگری و بررسی است.

آب زنید راه را هین که نگار می رسد

امام سجاد علیه‌السلام از شکوه ویژه‌ای برخوردار بود، به گونه‌ای که هر جا گام می نهاد، مردم برای وی راه می گشودند و نگاه‌های خود را به سوی او می دوختند. «سالی هشام پسر عبدالملک به حج رفت و گروهی از بزرگان شام همراه او بودند. روزی به سبب انبوهی مردم نتوانست دست خود را به حجرالاسود برساند. در این هنگام، امام علی بن الحسین علیه‌السلام به طواف آمد و چون نزدیک رکن آمد، مردم کنار رفتند تا ایشان به آسانی، دست خود را به رکن بزنند. این پاس داشت در دیده شامیان، بزرگ و شگفت آمد. از هشام پرسیدند: این مرد کیست که مردم چنین او را گرامی می دارند؟ هشام گفت: نمی دانم! فَرَزْدَق، شاعر معروف که در آنجا حاضر بود، گفت: من او را می شناسم و در همان زمان، بیت‌هایی را در شناساندن وی و ستایش او سرود که در برخی از آنها چنین آمده است:

«این کسی است که [سرزمین] بطحا جای پایش را می شناسد و همچنین حرم و بیرون حرم. این پسر مهم‌ترین بندگان خداست. او پرهیزکار، برگزیده، پاک و نشانه و راهنماست. اینکه گویی «این کیست؟» بدو زیانی نمی رساند. آن را که تو نشناخته گرفته‌ای، عرب و عجم می شناسد» .

امام سجاد و مردم‌گرایی

یکی از ویژگی‌های بزرگ امام سجاد علیه‌السلام، مردم‌گرایی و مهرورزی به انسان‌ها بود، به گونه‌ای که فراوانی گرفتاری‌های آن حضرت، هرگز وی را رسیدگی به گرفتاری‌های مردم و گره‌گشایی از کار فرو بسته آنان باز نداشت. «آن حضرت، شب هنگام، انبان‌های نان را بر پشت خود می نهاد و به خانه‌ی تهی‌دستان می رفت و می فرمودند:
صدقه پنهانی، آتش خشم پروردگار را خاموش می کند. برداشتن این انبان‌ها، بر پشت او اثر گذاشته بود و چون به دیدار پروردگارش شتافت، هنگام غسل دادن ایشان، آن نشانه‌های مهرورزی آشکار شد» .
امام، سالی آهنگ حج کرد. خواهرش توشه‌ای به ارزش هزار درهم برای وی آماده ساخت، ولی آن حضرت همه را به مستمندان بخشید. آن حضرت، پسر عمویی مستمند داشت که شب هنگام به گونه‌ای که شناخته نشود، نزدش می رفت و چند دینار به او می بخشید. آن مرد می گفت: علی بن الحسین در اندیشه خویشاوند نیست، خدا او را سزا دهد. امام این سخنان را می شنید، بردباری می کرد و خود را بدان خویشاوند نمی شناساند. چون به دیدار خدا شتافت و آن احسان از آن مرد بریده شد، دانست که آن مرد نیکوکار، علی بن الحسین بوده است. پس بر سر مزار او رفت و گریه کرد.
خرّم آن‌کس که در این محنت‌گاه
خاطری را سبب تسکین است

پاسخ‌گویی بدی به نیکی

قرآن کریم در رفتار اجتماعی، اصل را بر مدارا در برابر تندی و نیکی در برابر بدی نهاده و فرموده است: «و آنان که بدی را با نیکی می زدایند.» (رعد: 22) به گفته‌ی زیبای فیض کاشانی:

مکافات بد را نکویی بیاریم
اگر بد کنیم، آن‌چنان کوست باشیم
بکوشیم تا دوستی خوی گردد
به هر کو کند دشمنی، دوست باشیم

در این‌باره آمده است که روزی علی بن الحسین علیه‌السلام بر مردمی گذشت که از او بد می گفتند. پس فرمودند: «اگر راست می گویید، خدا از من بگذرد و اگر دروغ می گویید، خدا از شما بگذرد» .

روزی مردی او را در بیرون خانه دید و بدو دشنام داد. خدمتکاران آن حضرت بر آن مرد تاختند. علی بن الحسین علیه‌السلام فرمودند: «او را رها کنید» . سپس بدو گفت: «آنچه از ما بر تو پوشیده است، بیشتر از آن است که می دانی. آیا نیازی داری تا آن را روا کنم؟» آن‌گاه مقداری پول به آن مرد بخشید، به گونه‌ای که آن مرد بسیار شرمنده شد و گفت: گواهی می دهم که تو فرزند پیامبری.

یکی از دانشمندان زمان آن حضرت به نام زُهَری می گوید: «برتر از علی بن الحسین علیه‌السلام ندیدم. از دانستن فضیلت فراوان وی، دوستش بر او غبطه می خورد و کسی که دشمن او بود، به سبب روش مسالمت‌آمیز وی، دشمنی خود را آشکار نمی کرد» .

فیض روشن‌دل، به نیک و بد برابر می رسد
پرتو مه می فتد یکسان به آباد و خراب

دلیل دعا محوری امام سجاد

بسیاری از انسان‌ها، اوج تلخ کامی شخص را در به خاک و خون تپیدن او می دانند و بالاترین اندازه‌ی سختی برای آدمی را در آن می بینند که با شمشیر و نیزه تکه تکه شود و از پای درآید. این در حالی است که گونه‌ی دیگری از سختی و دشواری نیز هست که تلخی آن چه‌بسا بالاتر از زخم برداشتن و کشته شدن است و آن اینکه شخص در برابر جور ستم‌گران و فتنه جویان، بنا بر مصلحت نتواند برخیزد و ناچار باشد زهر بردباری و خویشتن‌داری را جرعه جرعه بنوشد و انبوهی از سخن را در سینه خود پنهان سازد و نتواند بازگو کند. خلاصه آنکه به گفته‌ی زیبای حافظ، «آن همه زخم نهان باشد و مجال آه نباشد» :

این چه استغناست یا رب وین چه قادر حکمت است
کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست

امام سجاد علیه‌السلام با چنین تلخ کامی هایی دست به گریبان بود و در چنین روزگار تاریکی، چه چیزی بهتر از دعا و نیایش می توانست به او آرامش بخشد و بهانه شود تا دردهای نهانی را در قالب راز و نیاز، بازگو و سخن‌های مگو را آشکار کند.

دلیل گریه‌های امام سجاد از نگاه شهید مطهری

یکی از ویژگی مردان خدا، گریه از ترس پروردگار است، ولی گریه‌های امام سجاد علیه‌السلام افزون بر آنکه به دلیل ترس از خداوند نیز بود، پیام دیگری نیز داشت. شهید مطهری در این‌باره می نویسد: «برای علی بن الحسین علیه‌السلام فرصتی همانند فرصت امام حسین علیه‌السلام پیدا نشد، همچنان که فرصتی مانند فرصتی که برای امام صادق علیه‌السلام پدید آمد، پیدا نشد. البته برای کسی که می خواهد خدمت‌گزار اسلام باشد، همه‌ی وقت‌ها فرصت است، ولی شکل فرصت‌ها تفاوت دارد. برای نمونه، آن حضرت، از هر بهانه‌ای استفاده می کرد که اثر قیام پدر بزرگوارش را زنده نگه دارد. آن گریه‌های او برای چه بود؟ می خواست تا با این کار، این حادثه را زنده نگه دارد و مردم یادشان نرود که چرا امام حسین علیه‌السلام قیام کرد و چه کسانی او را کشتند. روزی یکی از خدمتگزارانش عرض کرد: آقا! آیا زمان آن نرسیده است که شما از گریه باز ایستید؟ فرمودند: چه می گویی؟ یعقوب، یک یوسف بیشتر نداشت و در غم دوری او تا آنجا گریست که چشمانش سفید شد. من در جلو چشم خود، هجده یوسف را دیدم که یکی پس از دیگری بر زمین افتادند» .

امام سجاد و نجات شیعیان

پس از حادثه کربلا، شیعیان در بدترین شرایط قرار گرفتند. کوفه که مرکز گرایش‌های شیعی بود، به مرکزی برای سرکوبی شیعه تبدیل شد. در چنین شرایطی که گمان نابودی اساس تشیّع می رفت، امام سجاد علیه‌السلام توانست شیعه را حیاتی نو بخشد و زمینه را برای فعالیت‌های آینده‌ی امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام فراهم کند. تاریخ گواه است که امام سجاد علیه‌السلام در مدت 34 سال تلاش خود، شیعه را در یکی از سخت‌ترین دوران حیات؛ یعنی حکومت زبیریان و امویان رهبری کرد. فراموش نشود که بیست سال حاکمیت حجّاج بر عراق و سلطه عبدالملک بن مروان بر همه‌ی سرزمین‌های اسلامی، تنها برای کوبیدن شیعیان و در بخش‌های دیگر، کوبیدن دیگر مخالفان امویان بود.

زینت پارسایان

در تاریخ مشرق زمین که مهد نبوت‌هاست، کسی در ورع و تقوا و توجه عمیق به پروردگار، در مقام امام زین‌العابدین علیه‌السلام نیست، مگر پدران بزرگوارش که زندگی معنوی بشری را با نور توحید و ایمان راستین روشنی بخشیدند. به راستی که سرنوشت این امام بزرگوار، تاریخ زندگانی انبیا و مرسلین را به خاطر می آورد و از هر جهت همانند آنهاست؛ زیرا او در زهد و تقوا و توجهش به خدا همچون حضرت مسیح، در گرفتاری و صبر و تحملش نظیر حضرت ایوب، و در عزم راستین و اخلاق والایش همانند رسول خدا صلی‌الله علیه و آله است. صفات نیک و برجستگی های معنوی و روحی او بی‌شمار است و در عظمت او همین بس که در تاریخ دنیا، تنها او به لقب «زین العابدین» مفتخر گشته و جز او کسی زیبنده این نام نبوده است.

امام زین العابدین علیه‌السلام از جمله نیرومندترین عوامل جاودانگی نهضت حسینی و ارتباط آن با عواطف و احساسات جامعه است. از شمار مظاهری که امام سجاد علیه‌السلام بدان وسیله، نهضت حسینی را جاودانه ساخت، گریه‌های فراوان آن حضرت بر مصیبت‌هایی بود که در روز عاشورا بر پدر و خاندان و یاران آن بزرگوار رسید. در نتیجه، امام شادمانی را بر خود حرام کرد و از اندوه و تأثر گداخته شد و یکی از پنج گریه کنندگانی گردید که در طول تاریخ، ضرب المثل غم و اندوه و سوگواری بوده‌اند.

عبادت امام زین العابدین

امام سجاد علیه‌السلام بعد از پدرانش، بهترین مخلوقات خداوند از نظر علم وعمل بود. کوشش و عبادت و زهد و روش برخورد او با مردم، همه معجزه و شگفت می نمود. از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که فرمودند: «پدرم در شبانه روز، هزار رکعت نماز می خواند و جسم مبارکش به حدی ضعیف شده بود که باد، مانند خوشه‌ی گندم او را حرکت می داد» .
ایشان ادامه می دهد: پیشوای چهارم در عبادت به منزله‌ای رسید که هیچ کس به آن نرسیده است. از شب زنده‌داری، رنگ رخسارش زرد شده بود و از گریستن، چشمانش چنان گرم می شد که گویا آتش گرفته باشد. پیشانی‌اش هم از سجده پینه بسته بود. ساق و پاهای حضرت از ایستادن در نماز شب ورم کرده بود. وقتی او را در این حالت دیدم، گریستم. پدرم رو به من کرد و فرمودند: فرزندم، قسمتی از کاغذ هایی که عبادت علی علیه‌السلام در آن‌ها نوشته شده را بیاور. آن‌ها را آوردم و به او دادم. مقداری از آن را خواند و کناری نهاد و فرمودند: چه کسی قدرت دارد و می تواند مانند علی علیه‌السلام خدا را عبادت کند» .

فرجام گستاخی به کلام پیامبر

روزی امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: «مرگ ناگهانی در حق مؤمن، تخفیف گناه است و در حق کافر غم و تأسف است؛ مؤمن غسل دهنده و حمل کننده‌اش را می شناسد، اگر خیری نزد خدا داشته باشد، به حمل کنندگانش می گوید عجله کنید، ولی اگر غیر از این باشد، می گوید تأخیر کنید» . ضمرة بن سحرة گفت: اگر این گونه باشد که تو می گویی، پس من از تابوت می پرم. خودش خندید و مردم را نیز خنداند. حضرت فرمودند: «خدایا، او بر سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله خندید و مردم را نیز خندانید، پس او را با تأسف بگیر» . آن شخص به مرگ ناگهانی مبتلا شد. بعد از آن، غلام ضمره نزد امام سجاد علیه‌السلام آمد و گفت: خدا تو را توفیق دهد، ضمره با مرگ ناگهانی مرد. به خدا سوگند صدای او را شنیدم که مانند زمان حیاتش آن را می شناختم، او گفت: وای بر ضمره! تمام خویشانم از من جدا شدند و من به دار جهنم رفتم و آنجا اقامتگاه من است. امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: «این جزای کسی است که به سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله بخندد و مردم را بخنداند» .

سیر و سلوک امام سجاد

روزی حضرت سجاد علیه‌السلام از در منزل خارج شد و مردی را دید که بر اثر تلقینات و شرایط اجتماعی آن روز، زبان به بدگویی و دشنام به امام گشود. خادمان حضرت خواستند به او حمله کنند. امام فرمودند: او را رها کنید و بعد به آن مرد فرمودند: آنچه از ما بر تو پوشیده مانده است، بیش از آن است که می دانی. آیا حاجتی داری؟ مرد از گفتار و رفتار امام، خجل و شرمنده شد. امام نیز عبایی را که بر دوش مبارکشان بود به او عنایت کردند و نیز امر فرمودند که هزار درهم نیز به او بدهند که با این رفتار ملایم، آن مرد معاند، دوستدار امام شد و گفت: من شهادت می دهم که تو فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله هستی. همچنین نقل شده که کسی نسبت به امام بدگویی کرد. امام خاموش ماندند و به وی نگاه نکردند. غریبه برای اینکه توجه دیگران را جلب کند، گفت: با تو سخن می گویم. امام هم فرمودند: من هم سخن تو را نشنیده می گیرم.

روزی یکی از خویشاوندان امام سجاد علیه‌السلام نزد امام رفت و چندان که توانست او را دشنام داد. امام در پاسخ او خاموش ماند. چون مرد بازگشت، امام به کسانی که نزد او نشسته بودند فرمودند: شنیدید این مرد چه گفت؟ می خواهم با من بیایید و پاسخی را که به او می دهم بشنوید. امام به راه افتاد و آیه‌ی فرو بردن خشم و گذشت از مردم را تلاوت فرمود. همراهان امام دانستند که امام سخن زشتی به او نخواهد گفت. چون به خانه آن مرد رسیدند، مرد بیرون آمد و یقین داشت امام به تلافی آمده است. حضرت به او فرمودند: «برادرم، ایستادی و چنین و چنان گفتی. اگر راست گفتی، خدا مرا بیامرزد و اگر دروغ گفتی، خدا تو را بیامرزد» . مرد برخاست و حضرت را بوسید و گفت: آنچه درباره تو گفتم از آن مبرّا هستی و من بدان سزاوارم.

گذشت امام چهارم

درباره بخشش و گذشت امام سجاد علیه‌السلام نقل شده است که وقتی حضرت دست مبارکشان را می شستند، کنیزی آب روی دست ایشان می ریخت. ناگهان ظرف آب از دست کنیز افتاد و جراحتی در دست حضرت ایجاد شد. امام متأثر شدند. کنیز چون در خانه امام تربیت شده بود، می دانست چه کند و فوراً آیه‌ی شریفه‌ی فرو بردن خشم را خواند. امام فرمودند: من خشم خود را فرو خوردم. کنیز ادامه‌ی آیه را که درباره گذشت از مردم بود، تلاوت کرد. امام فرمودند: تو را بخشیدم. کنیز پایان آیه را خواند: «خدا نیکوکاران را دوست دارد» . حضرت فرمودند: تو را در راه خدا آزاد کردم.

دستگیری از درماندگان

یکی از ابعاد درخشان زندگانی امام چهارم، خدمات اجتماعی حضرت در آن عصر تاریک است. این خدمات، چه در ایام بحرانی و پرآشوب مدینه، و چه در مواقع آرامش که نیازمندان و تهی‌دستان در انتظار دست نوازشگری بودند که با لطف و کرم به سوی آنان دراز شود، همچنان تا آخر عمر آن حضرت ادامه داشت. امام سجاد علیه‌السلام، هزینه‌ی زندگی صد خانواده تهی‌دست مدینه را عهده دار بود.
همچنین نقل شده است که در مدینه خانواده‌هایی بودند که زندگی و معاش آنها از ناحیه امام تأمین می شد، ولی خودشان نمی دانستند که تأمین زندگی آنها از کجاست تا اینکه امام از دنیا رفتند و آنها متوجه شدند که شخصی که شبانه برای آنان کیسه‌هایی از مواد غذایی می آورد، علی بن الحسین علیه‌السلام بوده است.

سکوت از نظر امام زین العابدین

از امام سجاد علیه‌السلام درباره سکوت و سخن سؤال شد و اینکه کدام یک بر دیگری برتری و مزیت دارد؟ حضرت در پاسخ فرمودند: برای هر یک از این دو آفت‌هایی است که اگر از آفت سالم و مصون باشند، کلام برتر و افضل از سکوت است. برای اینکه خداوند هیچ یک از پیامبران و اولیاء را به سکوت مبعوث نفرمود؛ بلکه مأموریت داشتند با مردم سخن بگویند و با بیان خود، آنان را به راه صلاح و رستگاری دعوت نمایند. همچنین هیچ کس با سکوت مستحق بهشت نمی شود و هیچ کس با سکوت از عذاب دوزخ مصون نمی ماند. نیل به رحمت و ولایت الهی و محفوظ ماندن از عذاب او، بر اثر کلام است. سپس حضرت فرمودند: «شما خود فضل سکوت را با کلام توصیف می نمایید و هرگز فضل کلام را با سکوت توصیف نمی کنید» .

سفارش به ابوحمزه ثمالی

ابوحمزه ثمالی می گوید: یک روز کنار در خانه حضرت سجاد علیه‌السلام ایستاده بودم که امام علیه‌السلام از خانه خارج شد و فرمود: «بسم اللّه آمنتُ باللّه و توکّلتُ علی اللّه» سپس فرمودند: ای ابوحمزه، هر وقت انسان از خانه بیرون می آید، شیطان آماده فریب او می شود. وقتی می گوید: «بسم اللّه» آن دو فرشته که به او موکل هستند، می گویند گفت: بسم اللّه، یعنی از شر شیطان محفوظ ماند. وقتی می گوید: «آمنت باللّه» گویند هدایت گردید و همین که می گوید «توکلت علی اللّه» گویند از آفات و بلیات نگه داشته شد.

امام زین‌العابدین در هنگام اقامه نماز

امام زین‌العابدین علیه‌السلام به هنگام نماز از خشیت الهی اندامش می لرزید و چهره‌اش دگرگون می شد. یکی از یاران حضرت علت این تغییر حالت ایشان را در هنگام نماز پرسید. حضرت در پاسخ فرمودند: مگر نمی دانی در برابر چه کسی قرار می گیریم؟ به راستی همان مقدار از نماز بنده پذیرفته است که حضور قلب داشته باشد و فرد خودش را واقعاً در برابر خدا ببیند. آن شخص عرض کرد پس نمازهای ما باطل است و ما هلاک شده‌ایم. حضرت فرمودند: هرگز، خدا نمازهای نافله را برای جبران نمازهای ناقص بندگانش مقرر فرموده است.

فخر امام زین العابدین

در تاریخ آمده است چون اسیران کربلا به کوفه وارد شدند و کوفیان سخنان حضرت زینب(س) و جمعی از خاندان امام حسین علیه‌السلام را شنیدند، گریه و ناله سر دادند و زنان موهای خود را پریشان کردند. امام زین العابدین علیه‌السلام آن‌ها را ساکت کردند و در معرفی خود فرمودند: من پسر آنم که حرمتش را درهم شکستند و مال واموال او را غارت کردند و کسانش را اسیر کردند. من پسر آنم که او را کنار فرات سر بریدند، در حالی که نه به کسی ستم کرده و نه با کسی مکری به کار برده بود. من پسر آنم که او را از قفا سر بریدند و این برای من فخری بزرگ است.

پس از پایان دوره‌ی اسارت و بازگشت امام زین‌العابدین علیه‌السلام و کاروان خاندان پیامبر به مدینه، آن حضرت در آستانه ورود به شهر مدینه، طی خطبه‌ی بلندی خطاب به جمعیت استقبال کنندگان فرمودند: ای مردم، خداوند، تبارک و تعالی که سپاس او را سزد ما را به مصایب بزرگ بیازمود. اباعبداللّه الحسین علیه‌السلام را کشتند، زنان و فرزندان او را اسیر کردند و سر او را در شهرها بر روی نیزه‌ها گرداندند و این مصیبتی بی‌مانند است.

علم امام زین‌العابدین

شیخ مفید در توصیف دامنه دانش امام زین‌العابدین علیه‌السلام می نویسد: آنچه فقها و دانشمندان در علوم مختلف از آن حضرت نقل کرده‌اند از شمار بیرون است و آنچه از مواعظ و پند و دعا و احکام الهی که در بین دانشمندان وجود دارد اغلب از کسانی است که در مکتب امام زین‌العابدین علیه‌السلام پرورش یافته و از سرچشمه‌ی علوم آن حضرت سیراب شده‌اند.

بردباری و حلم امام

امام زین‌العابدین علیه‌السلام تجسم بردباری و گذشت بود به گونه‌ای که از برابر هر اشتباهی به اغماض می گذشت و حتی در برابر بدی و سوء رفتار نیز به احسان و نیکی رفتار می کرد و می فرمود: چیزی بهتر از این نیست که انسان بی آن که در مقام انتقام و تلافی برآید، با حلم و بردباری خشم خود را فرو نشاند.

نمونه‌ای از حلم و گذشت امام زین‌العابدین

روزی مردی در حضور جمع به امام زین‌العابدین علیه‌السلام جسارت کرد و ناسزا گفت: امام علیه‌السلام به روی خود نیاورد و سخنی نگفت. وقتی آن مرد رفت حضرت رو به حاضران کرد و فرمود بیایید تا شما پاسخ مرا به او ببینید.
امام به طرف خانه آن مرد حرکت کرد. آن فرد وقتی امام زین‌العابدین علیه السلام را دید گمان کرد که برای تنبیه و سرزنش او آمده است، ولی به زودی دریافت که اشتباه کرده و تصورش نادرست بوده است؛ زیرا امام علیه السلام پیش آمد و سلام کرد و فرمود برادر، اگر نسبت‌هایی که به من دادی درست است من به درگاه خدا استغفار می کنم و اگر درست نیست از خدا می خواهم که گناه تو را ببخشاید. آن مرد سخت پشیمان شد و با چشمانی اشکبار پیشانی آن حضرت را بوسید و گفت یابن رسول اللّه، آنچه به شما گفتم درست نیست و خود به آنها سزاوارترم.

شجاعت امام زین‌العابدین

امام زین‌العابدین علیه‌السلام که در کلیه‌ی صفات پسندیده و فضایل اخلاقی زبانزد عام و خاص بود، در شجاعت و شهامت نیز به حد کمال بود. سخنان آن حضرت در برابر یزید دلیل روشنی بر این مدعا است. آنگاه که یزید بر مسند قدرت تکیه زده بود، حضرت او را مورد خطاب قرار داد و گفت: ای پسر معاویه و هند، تو خود می دانی که پرچم رسول الله در جنگ بدر و احد و احزاب در دست جدم علی بن ابی طالب علیه السلام بود، در حالی که پدر و جد تو پرچم‌دار مشرکان بودند. در جای دیگر خطاب به یزید می فرمایند: وای بر تو، اگر به این فاجعه‌ای که آفریدی کمی می اندیشیدی، باید سر به کوه و بیابان می گذاشتی و خاکسترنشین می شدی. بدان که به زودی از این اعمالت پشیمان، و به خواری بزرگ گرفتار خواهی شد.

در سایه سار کلام گهربار امام سجاد علیه السلام

اشاره

- اگر مردم بدانند که در طلب علم چه فوایدی است، آن را می طلبند، اگرچه با ریختن خون دل و فرو رفتن در گرداب‌ها باشد.
- هر کس خود را گرامی داند، دنیا نزد او خوار است.
- کسی که بدان چه خدا نصیب او کرده قناعت کند، از بی نیاز ترین مردم است.
- از خوی مؤمن آن است که در تنگ دستی به اندازه‌ی درآمد خرج کند، و در رفاه به قدر گشایش؛ و درباره‌ی مردم منصف باشد و در سلام به همگان پیشی گیرد.
- نگاه محبت‌آمیز مؤمن به صورت برادر ایمانی خود، عبادت است.
- برای هر چیزی لذتی است و لذت گوش، در شنیدن سخن زیباست.
- شرافت در فروتنی، عزت در پرهیزکاری و بی‌نیازی در قناعت است.
- کسی که اجر خود بداند، دنیا نزد او ناچیز است.
- محبوب‌ترین شما نزد خدا کسی است که رفتارش بهتر باشد.
- کسی که خوش خلق‌تر است، به خدا نزدیک‌تر است.
- مؤمن رفتار خود را با بردباری در می آمیزد.
- مؤمن هیچ کاری را برای ریا انجام نمی دهد و هیچ کار را از روی شرم رها نمی کند.
- مؤمن از گواهی دادن در حق غیر دوستان نیز دریغ نمی کند.
- مؤمن از این که مورد ستایش و تمجید قرار گیرد، می ترسد.
- همنشینی با مردمان نیکوکار موجب صلاح و رستگاری می شود.
- رفتار به شیوه دانشمندان سبب افزایش خرد می شود.
- آزار نرساندن نشانه کمال عقل و موجب آسایش در دنیا و آخرت است.
- کسی که راهنمای دانایی ندارد، تباه می شود.
- در شگفتم از کسی که از خوراکی به سبب زیانش می پرهیزد، ولی از گناه به سبب زشتی‌اش دوری نمی کند.
- توبه نه به گفتار، که به بازگشت از امور ناشایست و انجام دادن کار نیک است.
- مبادا به گناهی که می کنی شادمان شوی که شادمان شدن به گناه بدتر از انجام دادن گناه است.

حقوق متقابل خداوند و بندگانش

امام زین العابدین علیه‌السلام در مورد حق پروردگار بر بندگانش می فرمایند: «حق بزرگ خدای متعال بر تو این است که در برابر آفریدگار خود سر فروتنی و پرستش فرود آوری و برای او شریک قرار ندهی و چنان که شاید با خلوص نیّت به عمل بپردازی. در آن صورت به ادای حق بزرگ الهی موفق گشته‌ای و متقابلاً به اخذ پاداش که مشتمل بر رو به راه شدن زندگی دنیا و آخرت است، نائل آمده‌ای. علاوه بر این، خداوند آنچه را که دوست داشته باشی به تو خواهد داد.

حق نفس بر انسان

امام زین‌العابدین علیه‌السلام در مورد حق نفس بر انسان می فرمایند: حق نفس بر تو این است که با تمام نیرو و قدرت آن را تحت رهبری و اطاعت خداوند درآوری. بدین ترتیب که وظایف اعضای خویش مانند گوش و چشم دست و پا، زبان را مراعات کنی و در این کار از خداوند یاری بخواهی.

حق صدقه بر انسان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق صدقه بر انسان می فرماید: سزاوار نیست که با صدقه دادن بر دیگران منت نهی؛ زیرا صدقه عملی است که نتیجه آن منحصراً عاید تو می شود. پس چون بر کسی منت نهی، چنان باشد که کار خود را تقبیح و عمل خود را تباه کرده‌ای.چنین فردی مانند کسی است که نیک و بد نزد او یکسان باشد. بدین ترتیب چگونه می توان گفت چنین شخصی به اصول اخلاقی پایبند است؟

حق معلم بر شاگرد

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق معلم می فرمایند: «حق استاد تو این است که در تعظیم و تکریم وی بکوشی و محضر او را بس موقر و محترم شماری و در فراگیری علم و دانش به کلمات و بیانات او به نیکی گوش فرا دهی و با روی گشاده و خویی آزاده و کامل و در کمال ادب و احترام به محفل و مجلس وی روی آوری و هرگز صدای خویش را بر صدای او بلندتر نسازی» . آن حضرت در ادامه می فرمایند: «و نیز هیچ وقت در مجلس او با دیگران سخن نگویی و خاطر او را از این کردار آزرده نسازی. و نیز می باید معایب معلم خویش را پوشیده داری و صفات پسندیده او را آشکار کنی و نسبت به او دشمنی نکنی. اگر چنین رفتاری داشتی خداوند فرشتگان را گواه می کند که نیّت تو الهی است و در راه خشنودی خدا به کسب علم پرداخته‌ای» .

حق شاگرد

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق شاگرد می فرمایند: «اما حق آنان که به سبب فزونی دانش تو در محضرت به فراگیری مشغولند، آن است که بدانی خدای، عزوجل، به واسطه دانشی که به تو عنایت فرموده تو را بر ایشان سرپرست گردانیده است و ابواب دانش را به روی تو گشوده است. پس اگر در آموزش و پرورش آنان به نیکی رفتار کنی و از سئوالات ایشان دلتنگ و رنجور نگردی، خداوند بر فضیلت تو بیفزاید و ابواب دانش را بر رویت بگشاید و اگر از آموختن دانش به آنان سر باز زنی یا با خلق و خوی بد با آنان رفتار کنی، آن وقت است که خداوند علم را از تو برگیرد و فروغ دانش را از تو دور کند و مقام و منزلت تو را از دل‌ها بیرون افکند» .

حق کسی که بر تو احسان کرده است

امام زین‌العابدین علیه السلام در مورد کسی که خوبی و احسان کرده است می فرمایند: «اما حق کسی که با تو به احسان و نیکی رفتار کرده این است که از او تشکر کنی و احسانش را به یاد داشته باشی، از او به خوبی یاد کنی و به درگاه خداوند با اخلاص برایش دعا کنی و این گونه در نهان و آشکار از او قدردانی کنی و بکوشی اگر روزی توانستی، رفتار خوب او را جبران کنی» .

حق همنشین بر انسان

امام زین‌العابدین علیه‌السلام در مورد حق همنشین می فرمایند: «حق همنشین این است که او را به خوبی بپذیری و به او خوشامد بگویی و در گفت‌وگو با وی منصفانه رفتار کنی. نگاه از او بر نگیری و به منظور آگاهی دادن با او سخن بگویی. اگر بر او وارد شدی می توانی هر زمان خواستی او را ترک گویی، ولی اگر او بر تو وارد شد وی را جز با اجازه او ترک نکنی» .

حق شریک بر انسان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق شریک بر انسان می فرمایند: «حق شریک آن است که اگر غایب باشد در انجام دادن کار او بکوشی و اگر حاضر بود با او برابر کار کنی و بدون مشورت و رأی او تصمیم نگیری. اموالش را حفظ کنی و در آنها خیانت نکنی؛ زیرا به ما گفته‌اند دو نفر که با یکدیگر شریک می شوند، تا وقتی به یکدیگر خیانت نکنند دست خداوند همراه آنان است» .

حق مال بر انسان

امام زین‌العابدین علیه‌السلام درباره حق مال بر انسان می فرمایند: «حق دارایی است که جز از راه حلال آن را کسب نکنی و جز در راه حلال و به جا مصرف نکنی؛ زیرا خداوند آن را به تو عطا فرموده که جز در راه رضای او به مصرف نرسانی» . آنگاه حضرت در ادامه می فرمایند: «شایسته نیست در راه به دست آوردن مال و به میراث گذاشتن آن خدا را معصیت کنی» .

حق طلبکار بر انسان

امام زین‌العابدین علیه‌السلام در مورد حق طلبکار بر انسان می فرمایند:
«اما حق طلبکاری که مال خود را از تو طلب می کند، آن است که در صورت امکان تلاش کنی بدهی خود را به او بپردازی و او را به رفت و آمد و دویدن وادار نکنی؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:
توانگری که وامش را نپردازد، نوعی ستمکار است؛ و اگر قادر به پرداخت آن نیستی، با زبانی خوش از وی مهلت بخواه؛ زیرا این عملی ناپسند است که تو مال او را در اختیار گرفته باشی و با وی بدرفتاری کنی» .

حق کسی که بر تو ادعایی دارد و شاکی است

امام زین العابدین علیه‌السلام در مورد حق مدعی و شاکی می فرمایند: «اما حق کسی که بر تو ادعایی دارد و شاکی است، چنانچه ادعای او درست است، حرف او را بپذیر و سخن او را رد نکن. خودت به جای قاضی حکم کن و به جای شهود، گواه او باش؛ زیرا اینگونه رفتار، حق خدا بر تو است؛ و اگر او درست نمی گوید و ادعایش باطل است با او مدارا رفتار کن، او را از نتیجه عملش بترسان و به دینش سوگند بده و با یادآوری خداوند از خشونت بکاه. از پر گویی و بدگویی بپرهیز که به گناه او گرفتار می شوی و موجب دشمنی بیشتر او گردی؛ زیرا سخن ناروا سبب دشمنی است و سخن نیک به خیر و فضیلت می انجامد، و شر و فساد را خاموش می گرداند» .

حق کسی که با تو مشورت می کند

امام زین‌العابدین علیه‌السلام در مورد حق کسی که با انسان مشورت می کند، می فرمایند: «حق کسی که با تو به مشورت پرداخته، این است که نظر خود را صریح و روشن بیان کنی. چنان که اگر خود به جای او بودی، همان می کردی» . حضرت در ادامه می فرمایند: «اگر نتوانستی به او مشورتی بدهی، کسی را که آگاه و قابل اعتماد است به وی معرفی کن و از کمک به او دریغ نکن» .

حق خردسالان

امام زین العابدین علیه السلام درباره حق خردسالان و کودکان می فرمایند: «حق کودک و خردسال آن است که وی را مورد مهر و محبت قرار دهی و در تعلیم و ترتبیتش بکوشی و نسبت به او گذشت و پرده پوشی داشته باشی و با وی با نرم خویی و ملایمت رفتار کنی و لغزش‌های کودکانه‌اش را نادیده بگیری» . حضرت در ادامه می فرمایند: «به هر حال با وی با مدارا رفتار کن و از ستیز و لجبازی دوری جوی؛ زیرا این امر موجب رشد و کمال وی می شود» .

حق کسی که به تو بدی کرده است

امام زین‌العابدین علیه‌السلام در مورد برخورد با کسی که به انسان بدی کرده است، می فرمایند: «حق کسی که در گفتار یا کردار با تو بدی کرده، این است که اگر عمداً مرتکب آن عمل شده، بهتر است وی را ببخشایی تا کنیه و کدورت از بین برود» و اگر از روی عمد نبوده است، تو خطای او را به بدی پاسخ نده و با انتقام، به او ستم نکن و تا آنجا که مقدور است با نرمی و ملاطفت با وی رفتار کن» .

حق هم کیشان

امام زین العابدین علیه السلام در مورد حق هم کیشان می فرمایند: «حق هم کیشان آن است که نسبت به آنها با حسن نیّت و مهربانی و نرمش رفتار کنی و چنانچه رفتار بدی از آنان مشاهده کردی، با آنان به مدارا رفتار کنی و محبت آنان را جلب کنی و به اصلاح کار آنها بپردازی، و از آنان سپاسگذاری کنی» . حضرت در ادامه می فرمایند: «پس درباره‌ی همه‌ی آنها دعا کن و به یاری آنها بپرداز و حرمتشان را در نظر بگیر؛ بزرگ آنها را به منزله‌ی پدر و کوچکشان را به منزله فرزند و میان سال آنها را برادر خود محسوب کن. هر کس از آنان پیش تو آمد با لطف و رحمت از وی دلجویی و چون برادر با وی رفتار کن» .

آموزه‌هایی نورانی از برگ‌های زرین صحیفه‌ی سجادیه

اشاره

امام سجاد(ع)، کتاب ناطق پروردگار و خزانه رازهاست که به روشنی از مقام سرّ ذات الهی سخن می‌گوید. صحیفه‌ی سجادیه‌ی آن حضرت، چراغ روشنِ ایوانِ بزرگواری است و بر تمام کتابهای باعظمت برتری دارد و دربردارنده 54 دعاست که در زمینه های گوناگون عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی و پاره ای از احکام شرعی و قوانین طبیعی در قالب دعا و مناجات بیان شده است.
صحیفه‌ی سجادیه یکی از اثرهای گران‌سنگ به جا مانده از امام سجاد علیه‌السلام است. صحیفه‌ی سجادیه که «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله» ، «انجیل اهل بیت» و «اخت القرآن» لقب گرفته، در بردارنده‌ی 54 دعاست که تاکنون بیش از شصت شرح بر آن نوشته شده است. صحیفه‌ی سجادیه تنها در بر دارنده‌ی راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست، بلکه دریای بی‌کرانی از علوم و معارف اسلامی است که مسائل گوناگون عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در آن آمده است. در سال 1353 ه. ق مرجع فقید، آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، نسخه‌ای از صحیفه‌ی سجادیه را برای طنطاوی، دانشمند بزرگ اهل تسنن و صاحب تفسیر معروف الجواهر به قاهره فرستاد. وی پس از ارج نهادن به این هدیه‌ی گران‌بها و ستایش فراوان از آن، در پاسخ چنین نوشت: «این از بدبختی ماست که تاکنون به این اثر گران بهای جاوید که از مواریث پیامبر است، دست نیافته بودیم. من هر چه در آن می نگرم، آن را از گفتار آدمیان، فراتر و از سخن پروردگار فروتر می یابم» .

آن صحیفه سرّ سجادی است کاشف
راز عشق آن امام راستان را
زان صحیفه آیت سجاد بیند
دیده اهل صفا راز نهان را
باغ دل‌ها را خوش اوراق کتابش
داد زینت همچو گل باغ جهان را
در دعا راز و نیازش عاشقانه
داد تعلیم حقایق انس و جان را

دعا در حق فرزندان

یکی از دعاهای دل‌نشین صحیفه‌ی سجادیه، دعای امام سجاد علیه‌السلام درباره فرزندانش است که در بخش‌هایی از آن می خوانیم: «پروردگارا! بدن‌ها و دین و اخلاق آنها را به سلامت دار و به آنان در جان و جسم و هر آنچه برایشان مهم است، عافیت بخش. روزی آنان را به دست من گسترده ساز و آنان را نیکوکارانی پرهیزکار و بینا و شنوای حق و فرمان‌بردار خودت قرار ده.
خدایا! آنان را دوستان من قرار ده و بر من مهربان ساز و فرمان پذیر دستورهای من بگردان و مرا در تربیتشان و خوبی کردن به آنها یاری فرما. آنان را بر آنچه از تو می خواهم، یار و یاورم قرار ده و مرا و فرزندانم را از شرّ شیطان مصون بدار» .

دعا در حق پدر و مادر

امام سجاد علیه‌السلام درباره پدر و مادر خویش این گونه به دعا می نشیند: «خداوندا! مرا به پاس داشت بزرگی پدر و مادر، توفیق ده و به مهربانی و نیکی به آنان و فرمان پذیری از آنان و خوش رفتاری با آنان، موفق بدار و اطاعت از آنان را در کام من شیرین و گوارا بگردان.
خداوندا! صدایم را در برابر آنها آرام و گفتارم را بر آنان خوشایند فرما و خویم را با آنان نرم و قلبم را بر آنها مهربان ساز. خدایا! یاد آنان را در پس نمازهایم و در وقت‌های شب و روزم، از دلم مزدای و مرا به برکت دعاهایی که برای آنان دارم، بیامرز» .

دعا در طلب آمرزش گناهان

امام زین العابدین علیه‌السلام در یکی از دعاهای خود در صحیفه‌ی سجادیه می فرماید: «بارخدایا، ای که گناهکاران به رحمتت فریاد رسی می کنند، و ای که بیچارگان به یادآوری احسانت پناه می برند، ای که خطاکاران از بیم تو به شدت گریه می کنند، ای همدم هر وحشت زده دور از وطن، ای گشایش هر اندوهگین دل شکسته، ای فریادرس هر درمانده تنها، ای مددکار هر محتاج رانده شده، تویی که رحمت و دانشت همه چیز را فرا گرفته ... تویی که عفوت بر عقابت غلبه دارد، و تویی که مهرت پیشاپیش غضبت در حرکت است ... و تویی که چون نعمت به کسی مرحمت کنی، چشم پاداش از او نداری ... اینک منم ای پروردگارم که در پیشگاهت به خاکساری در افتاده‌ام، منم که خطاها پشتم را گرانبار کرده، و منم که گناهان عمرم را به تباهی برده و منم که از سر جهالت تو را نافرمانی کرده‌ام، در صورتی که تو شایسته‌ی این نبودی که من چنین کنم» .

گلچینی از اهداف تربیتی صحیفه‌ی سجادیه

اشاره

به همراه دعاهای مربوط [1] در قالب محور یابی، دعا [2].

اهداف تربیتی در رابطه انسان با خدا

سپاس و ستایش خدایی را سزاست که دیده های بینندگان از دیدنش ناتوانند و اندیشه های وصف‌کنندگان از عهده وصفش بر نیایند. به قدرت و توانایی خود، آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش پدید آورد، بی‌آنکه از روی نمونه ای باشد. [3].

دست یابی به ایمان کامل

بارخدایا! ایمانم را به پایه‌ی کامل ترین ایمان برسان، و باورم را بهترین یقین ها قرار ده، و نیت مرا به نیکوترین نیت ها پایان ده، و کردارم را به بهترین کردارها برسان. [4].

و دلم را از پرهیزکاری خودت مالامال کن. [9].
بارخدایا! برای ما توشه ای از پرهیزکاری قرار ده. [6].
یک - آثار تقوا
و مرا از کسانی قرار ده که با بازداری و نگه داری تو، از گناهان و لغزش ها و خطا بسته و محفوظ مانده اند. [7].
و ما را برای مقابله در برابر گمراهی شیطان از پرهیزکاری، توشه ده و خلاف راه او که راه تباهی است، ما را به راه پرهیزکاری ببر. [8].
دو- صفات پرهیزکاران
و زیور پرهیزکاران را به من بپوشان در گستردن عدل و داد، و فرو نشاندن خشم، و خاموش کردن آتش دشمنی، و گردآوردن و الفت دادن پراکندگان، و اصلاح فساد بین مردم، و فاش کردن خیر و نیکی، و پنهان کردن عیب و زشتی، و نرم خویی و فروتنی و خوش‌رفتاری و آرام‌طبعی و سنگینی و خوش خویی و پیش دستی به کمال اخلاقی، و برگزیدن احسان، بی‌آنکه جزای احسانی باشد، و ترک عیب گویی و به غیر مستحق نیکی نکردن، و گفتن حق اگرچه سخت باشد و کم شمردن نیکی در گفتار و کردارم اگرچه بسیار باشد، و بسیار شمردن بدی در گفتار و کردارم اگرچه کم باشد. [9].

و شبم را آباد و با برکت گردان، به بیدار کردنم آن برای بندگی ات، و تنها بودنم به شب خیزی برای مناجات با تو. [10].
و مناجات و راز و نیاز با خودت را در تنهایی و در شب و روز برایم آراسته و خوشایند گردان. [11].

پس سپاس‌گزارنده ترین بندگانت از سپاس تو ناتوان هستند. [12].
یک- فرهنگ شکرگزاری
- شکرگزاری، تفضل الهی
بارخدایا! کسی به پایان شکر سپاس تو نمی رسد، مگر اینکه از احسان و نیکی تو چیزی برای او فراهم می آید که او را به شکری دیگر وادار می گرداند. [13].
- فراوانی نعمت به سبب شکر
و فرمودی: «هرآینه اگر (مرا بر نعمتی که به شما داده ام) سپاس گزارید، شما را فزونی دهم و اگر ناسپاسی کنید، همانا کیفر من سخت است» . [14].
- قرار گرفتن در موضع آزمایش
و نهی کرده تا شکر و سپاس گزاریمان را آزمایش کند. [15].
- حق‌شناسی، مرز تفکیک انسان از حیوان
سپاس خدای را که اگر بندگانش را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمتهای پی‌درپی که به ایشان داده و بخششهای پیوسته که برای آنها تمام گردانیده است، بازمی داشت، هرآینه، نعمتهایش را مصرف می کردند و او را سپاس نمی گزاردند ... اگر چنین می بود و شکر نمی کردند، از حدود انسانیت به مرز حیوانیت روی می-آوردند. [16].
دو- آثار تربیتی شکر؛ رسیدن به مقام رضا
پس نمی دانم ای خدای من! کدام یک از این دو حالت به سپاسگزاری تو واجب تر و کدام یک از این دو هنگام، برای ستایش تو سزاوارتر است؛ هنگام تندرستی یا بیماری؟ بارخدایا! بر محمد و آل او درود فرست و آنچه را برایم پسندیده ای، محبوب من گردان. [17].

توبه

بارخدایا! به سوی تو بازمی گردم و توبه می کنم؛ تو به کسی که رجوع به گناهی را در دل نمی گذارد و پس از توبه در گناهی باز نمی گردد. توبه خالصی که از شک و دودلی پاکیزه باشد. پس آن را از ما قبول فرما و از ما خشنود شو و ما را بر آن پابرجا گردان. [18].

اهداف تربیتی در رابطه انسان با خود

به قدرت و توانایی خود، آفریده ها را نیکو و زیبا آفرید و آنان را به خواست خویش به وجود آورد، بی‌آنکه از روی مثال و نمونه ای باشد. سپس آنان را در راه اراده خویشتن روان گردانید و در راه محبت و دوستی خود برانگیخت. [19].

بارخدایا، عزیز و گرامی ام دار و به کبر و خودپسندی و خودبینی دچارم مکن، و مرا به بندگی خودت توفیق ده، و عبادتم را به خودپسندی تباه مگردان، و خیر و نیکی برای مردم را به دست من روان ساز، و آن را به منت نهادن باطل مفرما، و خوهای پسندیده را به من ببخش، و مرا از به خود نازیدن نگاه‌دار. [20].

پرورش غرایز و خواست های طبیعی آدمی

یک- روزی به اندازه
و از تو می خواهم برای روزی ام، راهی آسان فراهم کنی. پس بر محمد و آل او درود فرست و روزی‌ام را بر من آسان گردان و مرا به اندازه ای که برایم تعیین فرموده-ای، قانع و خشنود ساز و به بهره ام در آنچه بهره من گردانیده ای، خشنودم فرما و آنچه از تن و عمرم سپری شده و رفته است، در راه فرمانبرداری ات قرار ده؛ زیرا تو بهترین روزی دهندگانی. [21].
دو- شکر گزاری و سرکشی نکردن
و در رزق و روزی عطا فرموده، فراخی می یافتند و شکرش را به جا نمی‌آوردند و اگر چنین می بودند و شکر نمی کردند، از حدود انسانیت به مرز حیوانیت روی می-آوردند. [22].
سه- شرکت دادن دیگران در نعمت های الهی
و ما را در این روز و این شب و همه روزهای‌مان توفیق عطا فرما برای انجام نیکی و کمک کردن به ناتوان. [23].
چهار- هدایت میل جنسی
و شهوت و خواهشم را از هر حرام و منع شده ای بشکن. [24].

اهداف تربیتی در رابطه انسان با دیگران

یک- وظایف فرزند در برابر والدین
و پدر و مادر مرا به بهترین پاداش که به آن، پدران و مادران بندگان با ایمانت را اختصاص داده ای، امتیاز ده. [25].
بارخدایا! صدایم را در برابر ایشان پایین تر و سخنم را خوشایند و خویم را نرم- ساز، و دلم را برای آنها مهربان کن و مرا به ایشان مهربان و دل سوز گردان. [26].
و مرا به وسیله دعا برای ایشان و ایشان را به سبب مهربانی شان به من بیامرز؛ آمرزشی پابرجا. [27].
دو- وظایف والدین در برابر فرزند
بارخدایا! روزی هایشان را برای من و به دست من فراوان گردان، و مرا در پرورش ایشان یاری فرما. [28].
و کیش ها و خوهایشان را برای من سالم بدار و مرا در تربیت ایشان یاری فرما. [29].

اهداف تربیتی در روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

و آنان را توفیق ده برای برپا داشتن طریقه و روش حفظ احکام و فراگرفتن اخلاق نیک خود که بندگان را به آن امر فرموده ای. [30].

و آنان را توفیق ده در فراگرفتن زیبایی های فرهنگ خودت در مهرورزی، و کمک به ناتوانان شان، و بستن شکاف فقر و نیازمندی شان، و رفتن نزد بیمارشان، و راهنمایی کردن راهجو و اندرز دادن مشورت کننده شان، و دیدار از سفر آمده‌شان، و پنهان کردن رازهاشان، و پوشاندن عیبهاشان، و یاری کردن ستم دیده شان، و سود رساندنشان به بخشش فراوان، و دادن آنچه ایشان را واجب و لازم است پیش از درخواست. [31].

امر به معروف و نهی از منکر

بارخدایا! ما را در این روز و این شب و همه روزهامان توفیق عطا فرما برای انجام امر به معروف و نهی از منکر، و حفظ و نگه داری اسلام، و نکوهش باطل و نادرستی، و خوار شمردن آن، و یاری حق و گرامی داشتن آن. [32].

انفاق و صدقه

بارخدایا! بر محمد و آل او درود فرست و روزی های مرا از وسایل حلال روان گردان و انفاق و خرج کردنم را در راه های خیر و نیکی بگردان. [33].

و مرا از اسراف و زیاده روی بازدار و به بخشیدن و میانه روی در زندگی، مستقیم ساز و روش نیکو در زندگی را به من بیاموز و مرا به لطف خود از بی جا خرج کردن باز دار. [34].

فرجام نیک

آن‌گاه که امام سجاد علیه‌السلام در آستانه شهادت قرار گرفت، هنگام مرگ، دمی بیهوش شد و چون چشم خود را گشود، سوره‌ی واقعه و سوره‌ی فتح را خواند. سپس گفت:
اَلْحَمْدُ للّهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الاْءَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنْ الْجَنَّةِ حَیْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِینَ.
سپاس خدایی را که به ما وعده راست فرمود و بهشت را میراث ما کرد تا هر جا که خواهیم جای گیریم. پس چه نیک است پاداش عمل کننده‌ها.
امام سجاد علیه السلام وصیت کرده بود که در مرگشان، کسی را خبر نکنند و ایشان را زود به خاک بسپارند، ولی هنگام تشییع و دفن آن حضرت، انبوهی از دوستداران اهل بیت گرد آمدند که مدینه مانند آن را کمتر به خود دیده بود.

حجاب چهره جان می شود غبار تنم
خوشا دمی که از آن چهره پرده بر فکنم
چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است
روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

[1] حاج سید علی فیض الاسلام، ترجمه و شرح صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه، انتشارات فیض الاسلام، زمستان 1368.
[2] نک: علی اصغر ابراهیمی‌فر، بررسی نظام تربیتی صحیفه‌ی سجادیه، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1385، چ1، صص 128 – 172.
[3] صحیفه سجادیه، دعای 1، بند 2 و 3.
[4] همان، دعای 20، بند 1.
[5] دعای 21، بند 9.
[6] دعای 17، بند 5.
[7] دعای 25، بند 10 و 11.
[8] دعای 17، بند 5.
[9] دعای 20، بند 10.
[10] دعای 47، بند 123.
[11] دعای 47، بند 110.
[12] دعای 37، بند 3.
[13] دعای 37، بند 1.
[14] دعای 45، بند 14.
[15] دعای 1، بند 21.
[16] دعای 1، بند 8 و 9.
[17] دعای 15، 2، 3، 4، و 6.
[18] دعای 45، بند 52.
[19] دعای 1، بند 3 و 4.
[20] دعای 20، بند 3.
[21] دعای 32، بند 28.
[22] دعای 1، بند 8 و 9.
[23] دعای 6، بند 18.
[24] دعای 39، بند 1.
[25] دعای 24، بند 12.
[26] دعای 24، بند 6.
[27] همان، بند 14.
[28] دعای 25، بند 2 و 5.
[29] همان.
[30] دعای 26، بند 3.

[31] همان، بند 2.
[32] دعای 6، بند 18.
[33] دعای 30، بند 3.
[34] همان.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹